

الحمد لله الذي عرفنا نفسه و علمنا امره و اوضح لنا مناهج الحق و اليقين ...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت بهاء الله - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی
- شماره ۴۵

۱۵۲

الحمد لله الذي عرفنا نفسه و علمنا امره و اوضح لنا مناهج الحق و اليقين و اظهر ما ينبغي لجوده على العالمين شكره في كل الأحوال بشكر نطق به في كتابه و علمنا بجوده و سلطانه و التكبير و البهاء على الذين استقاموا على امره و نطقوا بثنائه و فازوا باصغاء ندائه و اقبلوا الى افق فضله و تقربوا الى بحر اسمه العظيم

الحمد لله الذي فصل بين الانشاء بالكلمة العليا و بها غاض الموهوم و فاض بحور العلوم تعالى القيوم الذي نور العالم بالاسم الأعظم و اشرع للأمم ما يقربهم الى ساحة العزة و العظمة و الجلال و مطلع القدرة و القوة و الاجلال انه لم يزل كان مقدساً عن الذكر و الثناء و لا يزال يكون منزهاً عما يتكلم به اهل الانشاء فلما كان السبيل اليه مقطوع و الدليل اليه مردود نصفه بما وصف ذاته بذاته لذاته و اذكره بما ذكر نفسه بنفسه لنفسه انه لا اله الا هو المهيمن القيوم و بعد قد فاز الخادم بكتابكم الذي كان مدلاً لحبكم محبوب العالمين و توجهكم الى مقصود العارفين و حمدت الله بما ايدكم على ذكره بين خلقه و قيامكم على انتشار آثاره في مملكته و نسأل ربنا الرحمن بأن يسمعنا في كل الأحيان ما تهدر به الورقاء بين الأرض و السماء و يقدر لكم خير الآخرة و الأولى تفصيل مراسلة آن جناب در ساحت اقدس عرض شد فرمودند انشاء الله به ما تجذب به القلوب و تطير به النفوس ناطق باشند و در هوای معانی و بیان طائر ماده اشتعال عالم اراده حق و کلمه حق است و اوست کبریت احمر که سبب اشتعال هر شیء بوده و خواهد بود انشاء الله قلوب بارده انفس غافله باین کبریت الهی مشتعل شوند و بشطر رحمن توجه نمایند انتهى

و اینکه در ذکر رساله سلوک که بلسان پارسی نازل شده مرقوم فرموده بودید این رساله قبل از ظهور بلسان قوم نازل شده و سبب تنزیل آن آنکه شخصی که هم عالم بود و هم عارف از اهل سنت و جماعت عریضهئی در عراق بساحت اقدس فرستاد لذا نظر بحکمت الهیه این رساله بطریق متداوله بین قوم نازل شد و الیوم نفسی که بافق اعلی توجه نمود و بحق عارف گشت بآنچه در او ذکر یافته از هفت وادی و یا هفت مقام بجمیع فائز است چه که در این ظهور موهومات خرق شده جمیع بعد از عرفان حق مأمورند باکتساب علوم نافع و ترک شئون موهومه نسأل الله بأن یوفق عباده علی ما

1. ارقام ۲ و ۵ و ۱ بر طبق حساب ابجد بترتیب معادل عددی حروف "ب" و "ه" و "الف" است که مجموع آنها کلمه "بها" را تشکیل میدهد.



ORIGINAL

اراد لهم من بدایع جوده و کرمه و احسانه انه ولیّ المقلین و مولیّ المخلصین این بیانات از لسان حقّ استماع شده طوبی للفائزین

جناب محمد مصطفیٰ منّ ایدہ اللہ علی القیام علی خدمتہ و سوف ینبت ما زرع فی العراق انه لہو المنبت الحکیم در بارہ دگان و ما یتعلّق بہ آنچه واقع شد انشاء اللہ خوبست و از حقّ میطلبیم نتیجۂ حسنه از او ظاهر فرماید بر جمیع احبّای آنجا لازمست کہ بکمال جدّ و جهد در تمشیت امورات شما سعی نمایند اگرچہ حقّ کافی بوده و هست ولکن خیر اعمال حسنه بخود نفوس عاملہ راجعست نسأل اللہ بأن یوقّہم علی محبتک و ما یسرّ بہ قلبک اللطیف الشریف

و دیگر این عبد فانی از حال ہمیشہ اطلاعی نداشته و ندارد و از لسان قدم ہم در بارۂ او کلمہائی استماع نموده کہ دلیل بر جہات اقبال و یا غیر آن باشد در یکی از لیالی مقدّسہ لدی العرش حاضر لوحی مخصوص جناب محمود اخوی آن جناب نازل و در آن لوح این آیہ مبارکہ نازل قوله جلّ کبریائہ انا ذکرناک و نذکرک بالحقّ لانا نحبّ الوفاء و جعلناه من اعظم الاسماء تفکّر فیما نزل من القلم الاعلیٰ لتجد منه عرف المحبوب انتہی این عبد در حضور تحریر مینمود ناگاہ اشتعالی در قلب این عبد ظاهر چه کہ خاطر آوردم شبی را کہ در بیت جناب ذبیح علیہ بہاء اللہ بودم او در آنجا بود و اول ذکر محبوب را از او شنیدم این آیات کہ از مطلع بیان منزل آیات نازل شدہ تلاوت مینمودند رشح عما از جذبۂ ما میریزد الی آخر بشوق و شغف و انجذابی تلاوت مینمودند کہ از نفحات تغنیاتش گویا عظام رمیمہ از جذب بیان الہیہ بحرکت میآمدند و این بندہ چنان مشاہدہ مینمود کہ جذب آن آواز جمیع اہل انشاء را احاطہ مینمود و کل را بمقرّ ظهور ہدایت میفرمود از قول این عبد فانی تکبیر باو برسانید و بفرمائید چه شد آن الحان بدیعہ و آن نعمات منیعہ و آن اشتیاق و احتراق در حبّ نیر آفاق چون آیہ وفا از مصدر مالک اسماء نازل شد این عبد نظر بویا این جسارت را نمود کہ شاید بشأنی از بدایع نعمات الہیہ و الحان طیور عرشیہ بچذب و شور آئید کہ جمیع اماء رحمن را مجذوب نمائید و بشطر دوست کشانید و دیگر بخاطر آوردم آن یومی را کہ سیف گرفته بودند و بی حجاب میخواستند از خانہ بیرون بروند صائحۃ باسم اللہ و اہل آن بیت او را گرفتند و منع نمودند بفرمائید امروز روز آن جذب و شوقست چه کہ نوروز روزہاست و سیّد ایّامہاست ای جہان از جان بجوش و از سینه بجروش و از تن بکوش و از لب نخر ذکر محبوب را بنوش برخیز بمحبّتش و نوشانوش گو تا ہوش از سرہا برود و سروش غیبی در قلبہا بذکر محبوب ناطق گردد این کلمات را ناظرّاً الی الوفاء عرض نمودم چه کہ رسم وفا را چون در اول نخر بیان رحمن را از ساغر ذکر او نوشیدم خواستم حال این بندہ از این ساغر ابداع امنع اقدس احلی باو بنوشانم

عجب است کہ در این یوم اعظم کہ جمیع عالم بنار کلمۂ مالک قدم مشتعلند از آن دیار خبری نیست و حرارتی ظاہر نہ ولکن انشاء اللہ آن محبوب احباب را بذکر ربّ الأرباب مشتعل دارند یعنی آن نفوسی کہ بنفحات جعلیّہ جعفریہ از شاطی احدیہ محروم شدہ اند بگو شما کلمۂ حقّ را ادراک نکردید و حقّ را از باطل تمیز ندادید این قدر ہم تفکّر ننمودید کہ آن وعدہای ملا جعفر کہ ہر سہ ماہ یک مرتبہ باولیای خود وعدۂ ظهور جعفری میداد کہ ظهور خودش باشد چه شد و کل این فقرہ را میدانند معذلک متنبّہ نشدہ اند ای محبوب ناس را باین اذکار متذکّر دار کہ شاید از عنایت مالک قدم در این یوم اعظم محروم نمانند خلق ضعیفند و حجاب غلیظ کو اصبع یقین کہ باسم ربّ العالمین کل را بردرد و از خلف حجاب نور قلب بدرخشد باری آن محبوب دست از تبلیغ بحکمت و بیان بر ندارند دنیا عنقریب تمام و فانہست انشاء اللہ باید بتأییدات الہی بخدمت قیام نمائید و اثر آن در ابداع ظاہر شود نسأل اللہ بأن یؤیّد الذین اقبلوا ثمّ توقّفوا و لا

يُحرمهم عن البحر الذي احاط من في السموات والأرضين آن يبحارها مطلع نیستند روایات کذبہ آن نفوس مقبلہ را بعید نمود ولکن امیدواریم کہ کل از کأس قرب بنوشند و از صہبای یقین پیاشامند ہنئاً لهم ثمّ ہنئاً لهم ثمّ مرئاً لهم ثمّ مرئاً لهم

حسب الأمر آنکہ بوصیت مرحوم جناب حاجی علیہ بہاء اللہ و رحمۃ و عنایتہ و الطافہ عمل شود چہ کہ دوست نداریم بعد از او بغیر رضای او عمل شود بذلک ينزل الخیرات علیکم من سماء عطاء ربکم الکریم و در آنچہ وصیت نکرده است رجوع بکتاب الہی یعنی کتاب اقدس نمایند و بہ ما نزل فیہ عامل شوند انتہی

اینکہ نوشته بودند کہ اگر اقتضا نماید بعض بیانات عالیہ کہ سبب تربیت ناس و تشویق نفوس باشد نوشته ارسال شود تا در جریدہ مذکورہ طبع شود این بندہ عرض مینماید آنچہ فی الحقیقہ سبب تربیت و علت ترقی ناس بودہ لم یزل و لا یزال از قلم اعلی جاری ولکن اکثری از آن غافل بودہ و ہستند و از گلزار معانی کہ مایہ ترتیب و اعتدال است دماغ عالم قسمتی نبرده و حال بالفاظی کہ سبب ابتلا و ہرج و مرج و تنگی عالمست بآن ناطق و بآن افتخار مینماید اگرچہ وجہ عالم در این ایام بر بی باکی و بی پروائی و بی مذهبہی است ولکن عنقریب ابصار حدیدہ و اذن واعیہ در عالم ملک ظاہر خواہد شد و بساط مبسوطہ منطوی خواہد گشت کما طوی من قبل الفاظی مابین ناس در ممالک اجنبیہ و غیرہا مذکور میشود و جمیع از عالم و جاہل بآن تکلم مینمایند و جمیع ہم دارائی آن مقامات را مدعی از جملہ لفظ تمدن و حریت و انسانیت و وداد و اتحاد و مواسات و آزادی و برابری و شرح و بسط طویل و عریض در ذکر آن الفاظ و تفاسیر آن در جرائد عالم مذکور در این مقام لسان صدق را سزاوار است کہ باین کلمہ ناطق شود فأتوا بعمل ان اتم من الصادقین آنچہ الیوم ملاحظہ میشود اینست کہ سدرہئی را کہ ظہورات انسانیت و فوق آن در ظلّ آن مذکور اگر بدست قوم افتد البتہ قطع نمایند و بسوزانند از حقّ جلّ و عزّ طلوع نیر انصاف را از آفاق قلوب ناس مسئلت مینمائیم کہ شاید بحقّ ناطق شوند و بحقّ عامل گردند

و اینکہ از جناب میرزا آیدہ اللہ تعالی مذکور داشتید انشاء اللہ بنصائح مشفقانہ ایشان اصحاب حجیم جہل و اعتساف بنعیم عدل و انصاف فائز شوند و نسأله تعالی بأن يجعل الأخت مرآة لأهل البصر ليشاهدوا فیہا الحال وجہ ما هو المستور فی حجاب الاستقبال

و دیگر تفصیل مکتوب آن جناب در ساحت اقدس عرض شد فرمودند آنچہ باید از قلم ظاہر شود ظاہر شد و ہر چہ باید گفتہ شود گفتہ شد و ہر چہ باید در انجمن عالم ہویدا گردد لو شاء اللہ خواہد گشت حال صبر و صمت محبوب تر و از افضل اعمال محسوب انتہی

هو الأقدس الأبہی

عرض میشود کتاب آن جناب کہ فی الحقیقہ دفتر محبت مالک ایجاد و صحیفہ وداد و اتحاد بود بصر این احقر عباد را منور و قلب را تازہ و خوشنود نمود نفحات اذکارش دماغ جان را قوت بخشید و فوحات اخبارش روح را بہجت عطا فرمود و این بندہ را گمان آن بود کہ در جواب آن جناب شرح مبسوطی کہ مشعر و مدلل بر مراتب خلوص و مودت و

اتحاد و محبت است معروض دارد ولکن از عدم فرصت از این فیض محروم ماند دیگر جناب سمندر علیه بهاء الله تفصیل را ذکر مینمایند در لیالی و ایام این عبد مشغولست لذا این مرتبه مختصراً این نامه عرض شد امید عفو است

و همچنین مخدومی جناب ملا عبدالرزاق علیه بهاء الله مکتوبی باین بنده مرقوم داشته‌اند ابداً فرصت جواب علیحده نشد جمعی که در ساحت اقدس وارد و فائز شدند کل شاهد و گواهند لذا خدمت ایشان تکبیر و ذکر و سلام این عبد میرساند انشاءالله در کلّ احیان بنصرت امر رحمن بحکمت و بیان مشغول باشند

و دیگر مکتوب جنابان میرزا سمیع خان و میرزا رحیم خان علیهما بهاء الله رسید الحمد لله از سماء مشیت الهیه لوح امنع اقدس مخصوص ایشان نازل و ارسال شد و همچنین لوحی مخصوص احباب الهی که در ککن ساکنند نازل جناب ایشان مخصوص احباب آنجا تلاوت نمایند

و دیگر در فقره قراری که در آنجا شد مخصوص مسافرین جناب اسم جود علیه بهاء الله معروض داشتند قبول فرمودند معلومست این گونه امور که متعلق بخیرات و حسناتست لم یزل لدی العرش مقبول بوده مخصوص این فقره و خاصه که در بیت آن جناب واقع شده محبوب بوده و خواهد بود ولکن حسب الامر آنکه نفسی از احباب از کسی مطالبه نماید هر نفسی خود سبقت نمود و باین فیض فائز شد هنیئاً له سوف یعوضه الله ضعف ما انفق فی سبيله انه هو الغفور الکریم جمیع دوستان را تکبیر بلیغ برسانید و از قول این فانی معروض دارید کوثر حیات جاری هی بنوشید هی بنوشید و نعمت حقیقی نازل هی تناول نمائید بحر الطاف مواج هی بجوشید هی بخروشید و در انجمن اهل بهاء که از صهای ذکر و ثنا مدهوشند و از حرقت فراق در خروش این فقیر خادم را بجرعه‌ئی مسرور فرمائید البهاء علیکم یا اهل البهاء